



برنامه زنده گلبرگ یک نمونه موفق از ارتباط میان جوانان و روحانیان است

## با حجت الاسلام دهنوی که این روزها با برنامه گلبرگ حسابی بین جوانان و خانواده‌ها محبوب شده

# اگر دلسوز باشیم اعتماد می‌کنند

احسان ناظم بکایی

خیلی‌ها وقتی بعد از ظهرهای پنجشنبه بی‌هوا کانال عوض می‌کنند، روی شبکه ۳ و برنامه گلبرگ متوقف می‌شوند؛ جایی که یک روحانی خوش اخلاق ۴۸ ساله نیشابوری درباره مسائل روز خانوادگی صحبت می‌کند؛ موضوعاتی مثل رابطه دختر و پسر، خواستگاری، ازدواج و کلی چیزهای دیگر که شنیدن بعضی از آنها از رسانه ملی تازگی دارد. حسین دهنوی خودش ۳ فرزند دارد بانوشتن کتاب‌های «گلبرگ زندگی» و «سبیم مهر» کلی فوت فن درباره مسائل خانوادگی می‌داند. با او بعد از برنامه در همان دکور برنامه نشستیم و نیم‌ساعتی حرف زدیم. او حرفی با جلوی دوربین ندارد؛ همان‌طور آرام و خوش‌خنده حرف می‌زند.

● هر هفته این همه تماس و پیام و مشکل، اعصابتان خراب نمی‌شود؟

ما قبلاً از این برنامه در سطحی کوچک‌تر سال‌ها این جور برنامه‌ها را داشتیم و شاید تا حدی پوستمان کلفت شده ولی خب تاثیر دارد. ما هم به هر حال انسانیم و تاثیر همیشه هست. این اتفاق الان در سطح کلان می‌افتد؛ قبلاً مشاوره‌هایمان کوچک بود. نکته مهم‌تر اینکه الان بیننده‌هایی داریم که در سطح وسیع‌تری به ما اعتماد کرده‌اند و حرف دلشان را می‌گویند. این پیامک‌ها واقعی است؛ اینها شماره واقعی آدم‌هاست. یقین دارم این حرف‌ها را به پدر و مادرش نگفته ولی به ما اعتماد می‌کنند و می‌گویند. در

شهرهای مختلف هم اوضاع همین‌طور است. هفته قبل اهواز بودیم؛ آنجا هم این‌طور بود. به هر حال این حرف‌ها متاثر کننده است ولی هر کس وظیفه‌ای دارد. ما هم باید اینها را دقیق بخوانیم و به فکر چاره و فرهنگ‌سازی باشیم.

● خوب، حالا بین این همه تماس، مهم‌ترین مشکل ما جوان‌ها چی هست؟

بحث ازدواج مهم است. ما با اینکه هر هفته می‌گوییم آن بحث را قبلاً گفته‌ایم و تمام شده، باز هم تماس داریم. بحث مهم دیگر، بحث ارتباط بیسن دختر و پسر است.

● بعضی جوان‌ها نگاه مثبتی به حضور روحانیون در تلویزیون ندارند اما انگار وضع شما فرق دارد.

در تایید حرف شما، تپ‌هایی عجیب از جوان‌ها سراغ ما می‌آیند و اظهار علاقه قلبی می‌کنند. گمان می‌کنم شاید مهم‌ترین عامل این است که فکر می‌کنند کسی که با آنها حرف می‌زند، دلسوزشان است.

یکی دو هفته اول مقاومت زیاد بود. این مقاومت در پیامک‌ها معلوم بود. بعضی‌ها هم نه، همان جلسه اول راحت ارتباط برقرار کردند؛ اگر مخاطب جوان فکر کند طرف، دلسوز است اعتماد می‌کند؛ به روحانی بودن و غیرروحانی بودن ربط ندارد. الان جوان‌ها به خیلی از نصیحت‌گران غیرروحانی تلویزیون هم اعتماد نمی‌کنند. می‌گویند من می‌دانم تو خودت

عمل نمی‌کنی، به حرف‌ها ت گوش نمی‌دهیم. کار ما، کار دل است.

● فکر می‌کنید غیر از صداقت، چه عوامل دیگری در ارتباط جوان‌ها با شما نقش داشته‌اند؟

به غیر از دلسوزی و صداقت، به روز بودن و آگاهی هم مهم است. در همین برنامه مسائل را از ابعاد مختلف مطرح می‌کنیم. راهکارهای گوناگون معرفی می‌کنیم؛ مثل چالش با افکار منفی و اینها و در کنارش یک ذکر و روایت هم می‌گوییم. هم‌ا‌ش روایت نمی‌گوییم. حتی از اندیشمندان غربی مثل برنادر شاو و ویلیام جیمز هم می‌گوییم. اینها لازم است. جوان ما باید بداند غربی‌ها چه می‌گویند. چندبعدی بودن و آگاهی از مسائل روز مثل روان‌شناسی مهم است.

● شما خیلی راحت مسائل را باز می‌کنید، بقیه روحانی‌ها نمی‌گویند «آقا احترام لباست را داشته باش و این حرف‌ها را نزن»؟

نه، تا حالا این‌طور نبوده. همه طلبه‌هایی که دیده‌ام مرا تعریف و تشویق کرده‌اند. نکته این است که احساس می‌کنند این طلبه قوی و درست‌وارد می‌شود و کارش ابکی نیست؛ این‌طور نیست که حرف غلطی بزند و ۴ تا روان‌شناس به او گیر بدهند و بخندند.

● روان‌شناس‌ها چی؟ نگفتند پا تو کفش ما نکن؟ نه، ما کلی روان‌شناس داشتیم که تشکر کردند و کتاب و مقاله فرستادند برای کمک. اگر شل و ول کار می‌کردیم، دوام پیدا نمی‌کرد اما تا حالا باز خورد بدی از متخصصان نداشتم.

● بچه‌های شبکه ۳ چی؟ نگفتند این قدر شفاف حرف نزنید؟

نه، مسوولان شبکه ۳ هم از این شفافیت حمایت کردند. خیلی‌ها تماس داشتند که این حرف‌ها را ما برای بار اول است می‌شنویم و خیلی خوب است؛ مثل عشق‌بازی و عشق‌ورزی. البته با ادبیات مودبانه. من روابط همسری را

می‌گویم، زناشویی را نمی‌گویم. ما اگر می‌خواستیم این مباحث را با بی‌حیایی همراه کنیم و بگوییم و هر و هر و بخریدیم این خراب می‌شد. این مسائل جدی است ولی همراه با لبخند همیشگی جالب است.

● دیگر چه کار می‌کنید تا برنامه‌تان جذاب باشد و از حالت خشک خودش بیرون بیاید؟

شخصیت دادن به مخاطب و لواپیکه روبرویت نباشد اهمیت دارد. بعد هم به مرور تجربه به دست می‌آوریم. درباره تعامل با مجری و دوربین؛ اینکه بیشتر به دوربین نگاه کنی. من با مجری تعامل مختصری دارم.

● شده مردم با حرف‌هایشان، روند برنامه را عوض کنند؟

ما خورا کمان را از مردم می‌گیریم. بنای اولیه درباره بحث ازدواج ۳ جلسه بود، شد ۳۱ جلسه ۱/۵ ساعته. من شاید اگر می‌خواستیم قبل از این کتاب بنویسم چند تا بحث کلی می‌شد اما الان این مباحث ریز شده. البته مبنا می‌موضوع نمی‌شود. من اول با خدا عهد کردم که می‌آیم حرف تو را می‌زنم. نتیجه حاصل شد، اگر نشد من مسوول نتیجه نیستم. اتفاقاً روز به روز بر مبانی خودمان مسلط‌تر می‌شویم. هیچ ابایی هم از گفتن حرف‌ها نداریم.

## پشت‌صحنه برنامه گلبرگ چه خبر است؟

### هر برنامه ۱۶ هزار پیام

راهروی زیرزمین ساختمان تولید مثل همیشه شلوغ است؛ جایی که استودیوهای پخش زنده تلویزیون پشت سر هم ردیفند، صدای اذان ظهر می‌پیچد. هر مز شجاعی مهر همه کاره سیمای خانواده، در فاصله اذان بیرون استودیو ایستاده تا نفسی تازه کند. برنامه گلبرگ یک استودیو آن طرف‌تر است؛ استودیو ۱۴. آشناست؛ نه؟ اینجا همان استودیو نود است و جایی که فوت‌بال زنده پخش می‌شود. دکور گلبرگ درست جلوی دکور نود علم شده و بچه‌های فنی در اتاق فرمان نشسته‌اند. تا دهنوی وارد می‌شود با خوش اخلاقی به همه سلام می‌کند و وارد استودیو می‌شود. بچه‌های فیلم‌بردار پشت ۳ تا دوربین می‌ایستند. آرپناهی - مجری برنامه - هم با تاخیر می‌رسد؛ یک دقیقه مانده به برنامه. صدا می‌آید؛ «۱، ۲، ۳». گلبرگ روی آنتن است.

بیک محمدی، تهیه‌کننده برنامه ۴۰-۳۰ برگره تماس و پیامک می‌دهد دستمان: «بیش از هزار برگ پیام و تماس داریم. در گلبرگ ۱ به طور میانگین ۷ هزار پیام می‌آید، حالا بالای ۱۶ هزار تاست. راستش ما کار خاصی نکردیم، مردم برای مطرح کردن مشکلاتشان به چنین برنامه‌هایی نیاز دارند. ما فقط برنامه‌ای درست کردیم تا حرف دلشان را بزنند». یک تماس تلفنی از شهر کرد برقرار می‌شود؛ «ما تماس‌های همزمان را پخش می‌کنیم.

ارتباط تلفنی به روابط عمومی شبکه ۳ که در خیابان آفریقا است وصل می‌شود و آنها مکتوبش را به ما می‌دهند. بعد ما سؤالاتی را که فکر می‌کنیم عمومیت دارد انتخاب می‌کنیم، صبح به طرف زنگ می‌زنیم که آماده باشد تا بپرسیم». باید به بیک محمدی حق داد. همین جوری الکی، تماس تلفنی را روی آنتن فرستادن عواقب دارد. آنتن را می‌گیرند. در استودیو باز می‌شود تا عوامل بین استودیو و اتاق فرمان تردد کنند. آن چند نفر هم وارد می‌شوند و دور دهنوی را در کنار دکور می‌گیرند. چند دقیقه بعد، دهنوی می‌خواهد از استودیو بیرون برود، صدای یکی از آنهاپی که از او تشکر می‌کنند شناس است. دهنوی صبر می‌کند. صاحب صدا آشنایی می‌دهد؛ «من دوبلور امپراتور در سریال جومونگم، می‌بینید حاج‌آقا؟». دهنوی با خنده می‌گوید: «آره، همون آقای که آرومه». همه می‌خندند.

